

ایده‌های بزرگ

ترس و لرز

سوین کی یرکگارد

ترجمه محمد نادی رئیس



- سرشناسه : کی پرگور، سورن ۱۸۱۳ - ۱۸۵۵ م.
- عنوان و نام پدیدآور : ترس و لرز / برگارد ؛ ترجمه محمدصادق رئیسای.
- مشخصات نشر : تهران: روزگار نو، ۱۳۹۲.
- مشخصات ظاهری : ۱۶۰ ص.
- شابک : 5-62-6867-600-978
- وضعیت فهرست نویسی : فیا
- یادداشت : عنوان اصلی: 2000 Fear and trembling
- یادداشت : کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط هشتاد و یک ناشران متفاوت ترجمه و منتشر شده است.
- موضوع : مسیحیت -- فلسفه
- شناسه افزوده : رئیسای، محمدصادق، ۱۳۵۱ - مترجم
- رده بندی کنگره : ۱۳۹۲ ک ۲۹۴/۱۰۰ BR
- رده بندی دیویی : ۲۲۲/۱۱۰۶۰۱
- شماره : ۳۲۶۸۹۴۸
- کتابشناسی ملی :



سورن کی یرکگارد

ترس و لرز

ترجمہ محمدصادق رئیسی

چاپ اول: 1398

شمارگان: 1000

قیمت: 20000 تومان

شابک: 978-600-6867-62-5

آدرس: خیابان انقلاب، خیابان 12 فروردین، تلفن: 09126855976

فهرست

7	پیشگفتار ترجم
11	پیشگفتار
16	مناسبت
22	گفتاری در ستایش ابراهیم
33	مسئله
69	مسئله نخست
87	مسئله دوم
105	مسئله سوم
155	ختم کلام

پیشتر گفتار مترجم

سورن کی یرکگارد از بزرگترین بلاسمه معاصر است که توجه بسیار عمیقی به «ایمان» دارد؛ از این رو به درک درست انسان نسبت به خداوند صحه می‌گذارد. از دید وی رسیدن به «اوج ایمان» مسائل فردی بسیاری از جمله وسوسه، اضطراب، پریشانی و درد همراه است. با گذر از این مصیبت‌ها و مصائب به «فردی تنها» بدل شود. با این آتش می‌توان گفت کی یرکگارد دغدغه «مذهب» در عصر حاضر را مورد بررسی قرار می‌دهد تا نشان دهد فقدان «ایمان» منشأ مشکلات فراوان انسان در گذر زندگی است و این فقدان، پیامد عصر صنعتی است که به طور همزمان سراسر اروپا و متعاقب آن جهان را دربر گرفت.

کی یرکگارد در تبیین تفکرات خود از «ابراهیم» و قربانی کردن «اسحاق» و داستان آن دو به همراه «ساره و هاجر» - همسران ابراهیم - در متون مقدس سود می‌جوید. بریدن و کندن از فرزندان به فرمان مشیت الهی و

|| ترس و لرز ||

گذار «وسوسه» قربانی کردن از «خود» گذشتن و گریز از «غرور» است. از منظر کی یرکگارد، ابراهیم از تمام لذت‌ها و دلبستگی‌های پیرامون خود می‌گذرد تا به ایمان برسد. «اضطرابی» که در این گذار وجود دارد، خواننده را تا به انتهای کتاب می‌رساند. کی یرکگارد به عنوان «پدر اگزیستانسیالیسم» شناخته می‌شود که فلسفه را به تفکر ایجاد سرشت انسانی پیوند می‌زند. پیوندی که می‌خواهد در حقیقت، پیوند انسان به واسطه ایمان باشد که دیری است دارد رخت برمی‌بندد و مرا به یاد فروغ می‌اندازد:

و من کس نمی‌دانست
که نام آن، پرده غمگین
کز قلب‌ها سرینج
ایمان است.

تهران
بهار 1392